بررسی تحریف‌ناپذیری قرآن در آثار شیخ بهاءالدین عاملی

فتح‌الله نجارزادگان*

محسن رفعت**

چکیده: تحریف‌ناپذیری قرآن در آثار شیخ بهایی، حداقل با سه دلیل آیات، احادیث و تواتر، تمام اجزای قرآن قابل اثبات است. دلیل قرآنی، مستند به آیهٔ ۹ سورهٔ حجر و آیات ۴۱ و ۴۲ سورهٔ فصّلت است. و دلیل روایی مستند به احادیث عرض و استفاده از شمار زیادی از احادیث فقهی و غیرفقهی در زمینه‌های آن است.

دلیل تواتر نیز مبتنی بر انگیزه‌های غیرقابل توصیف مسلمانان در نقل، حفظ، نگارش و... تمام اجزای قرآن است. به همین‌رو، شیخ بهایی اختلاف گوهری در کلمات قرآن را مستند به تواتر و قرائت نماز را با هرکدام از قرائات هفت‌گانه بدون اشکال می‌داند و اختلاف سایر مصاحف با مصحف موجود را بی‌اعتبار قلمداد می‌کند.

واژه‌های کلیدی: تحریف‌ناپذیری ؛ شیخ بهایی ؛ قرآن ؛ احادیث ؛ تواتر.

---

*. استاد پردیس قم دانشگاه تهران. ***Email: najarzadegan@ut.ac.ir***

**. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران، پردیس قم.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-10-31]

واژهٔ تحریف در لغت و اصطلاح

تحریف از ریشهٔ «حرف» (به معنای لبه و کناره) (ابن‌فارس، ج ۲، ص ۴۲؛ راغب اصفهانی، ص ۲۲۸) به معنای مایل کردن، به کنار بردن و دگرگون ساختن آمده (ابن‌فارس، ج ۲، ص ۴۳) و تحریف سخن به معنای متمایل ساختن معنای کلام از مقصود گوینده به سمت احتمالی است که امکان دارد سخن‌گوینده را بر آن حمل کرد (راغب اصفهانی، ص ۲۲۸) که نتیجه آن ایجاد نوعی دگرگونی در مقصود گوینده خواهد بود. نخستین بار این واژه در قرآن و سپس در احادیث به کار رفته است. تحریف قرآن را می‌توان به دو نوع معنوی و لفظی تقسیم کرد. مقصود از تحریف معنوی تفسیر و توجیه سخن برخلاف مقصود گوینده است و این نوع تحریف در قرآن رخ داده و امام علی علیه‌السلام نیز از وقوع آن در زمان خود و آینده خبر می‌دهند و می‌فرمایند: «*به خدا شکوه می‌برم از مردمی که کالایی نزد آنان بی‌بهاتر از کتاب خدا نیست، هرگاه چنان که بایسته است تلاوت شود؛ و پرسودتر و گرانبهاتر از آن نیست، اگر از معنای خویش تحریف گردد.*» قرآن مجید نیز از وقوع این نوع تحریف در کتابهای آسمانی گذشته خبر داده و فرموده است: ﴿**مِن الَّذينَ هادُوا يُحَرِّفونَ الكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ**﴾ (*برخی یهودیان سخنان* [*تورات*] *را از جاهای خود تحریف می‌کنند.*) (نساء (۴) / ۴۶)

موضع نزاع به‌طور عام و در آثار شیخ بهایی به طور خاص، در مورد تحریف لفظی قرآن است که شامل تبدیل و افزایش یا کاهش در آنهاست.

جایگاه و اهمّیّت بحث دربارهٔ تحریف‌ناپذیری قرآن، بسی والاست. چون اگر سلامت قرآن از تحریف به اثبات نرسد، هرگونه استدلال به آیات قرآن مورد تردید قرار می‌گیرد؛ زیرا در غیر این‌صورت، احتمال اینکه آیات مورد استدلال، تحریف شده و مقصود خداوند تغییر یافته باشد، همواره وجود خواهد داشت. پذیرش تحریف قرآن در پاره‌ای از موارد، مستلزم انکار اعجاز قرآن خواهد بود. اعتبار احادیث معصومان، به‌ویژه در مقام تعارض روایات با یکدیگر نیز به قرآن متّکی

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-10-31]

است و اگر در قرآن تحریفی رخ داده باشد، اعتبار روایات نیز مخدوش خواهد شد. (برای مطالعهٔ بیشتر، نک: مصباح یزدی، ج ۱، ص ۲۱۳؛ حسینی میلانی، ص ۵۵ـ۵۶)

پیشینهٔ نظریّهٔ تحریف‌ناپذیری قرآن

پیشینهٔ بحث تحریف‌ناپذیری قرآن را باید همزمان با نزول قرآن و در متن آیات وحی جستجو کرد. اگر افزون بر آیات دیگر قرآن (فرقان (۲۵) / ۳۰ ؛ سجده (۳۲) / ۳۲ ؛ دربارهٔ وجه استدلال به این آیات به سلامت قرآن از تحریف؛ نک: نجارزادگان، ص ۲۱ـ۲۲) دلالت آیات ۹ سورهٔ حجر و ۴۱ و ۴۲ سورهٔ فصّلت را بر اثبات تحریف‌ناپذیری قرآن کافی بدانیم، باید اذعان کنیم نقطهٔ آغاز و سنگ بنای عدم امکان راهیابی خلل در الفاظ قرآن را خود قرآن پی نهاده است.

پس از قرآن، کهن‌ترین سندی که هم‌اکنون در دسترس ماست، صحیفهٔ سجّادیّه از قرن اوّل است؛ بخشهای فراوانی از دعاهای صحیفه ـ که در مقام اوصاف موجود است و بر سلامت این کتاب گواهی می دهد (مانند دعای ۴۲) ـ مانند این عبارت که می‌فرماید: «*خداوندا... قرآن را میزان عدالت ـ در تمام باورها و کردارها ـ قراردادی؛ به‌گونه‌ای که لسان آن از حق منحرف نمی‌شود...*» (همان) از سوی دیگر، هرگز قرآن محرَّف میزان درست برای سنجش نیست.

در احادیث پیامبر خدا ì افزون بر احادیثی زیاد که دربارهٔ فضایل قرآن در منابع فریقین نقل شده (نک: متّقی هندی، ج ۲، ص ۲۸۴ـ۲۹۳ ؛ مجلسی، ج ۹۲، ص ۱۲ـ۳۳) احادیث عرض اخبار بر کتاب خدا (کلینی، ج ۲، ص ۶۹، رقم ۱ ؛ عیّاشی، ج ۱، ص ۸، رقم ۲؛ طوسی، ج ۲، ص ۲۲۷، رقم ۴) پناه بردن به قرآن در هنگام هجوم شبهه‌ها و فتنه‌ها (کلینی، ج ۲، ص ۵۹۸ـ۵۹۹، رقم ۲) و حدیث ثقلین پیشینهٔ بحث را با قدمت نزول قرآن همگام می‌سازد. چون این اوصاف برای قرآن با تحریف و تبدیل در الفاظ آن، سر سازش نخواهد داشت.

مفسّران در مقدّمهٔ تفسیر و نیز ذیل آیاتی که در این‌باره‌اند (به ویژه آیهٔ ۹ سورهٔ

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-10-31]

حجر) و اصولیون در بحث ناسخ و منسوخ و حجّیّت ظواهر قرآن، فقها در بحث جواز قرائت سبعه در نماز وگزینش یک سوره پس از حمد و متکلّمان در کتابهای کلامی، به این مسئله پرداخته‌اند.

بررسی ادلّهٔ تحریف‌ناپذیری قرآن از دیدگاه شیخ بهایی

ادلّهٔ سلامت قرآن از تحریف را می‌توان به چهار گروه تقسیم کرد: آیات قرآن، احادیث، تواتر اجزای قرآن و دلیل عقلی. آنچه از این ادلّه در آثار شیخ بهایی[1] به چشم می‌خورد، سه دلیل قرآن، احادیث و تواتر است.

الف) دلیل قرآن

استدلال شیخ بهایی به قرآن، آیهٔ ﴿**إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ**﴾ (حجر (۱۵) / ۹) «*ما خود ذکر (قرآن) را فرود آوردیم و خود نگهبان آن هستیم*» است. ایشان می‌نویسد:

> **اختلفوا في وقوع الزيادة و النقصان فيه و الصحيح أنّ القرآن العظيم محفوظ عن ذلك زيادة كان أو نقصاناً. و يدلّ عليه قوله تعالى ﴿... و إنّا له لحافظون﴾** (بلاغی، ج ۱، ص ۶۱)
>
> *دربارهٔ وقوع افزایش و کاهش در قرآن، اختلاف کرده‌اند؛ امّا قول درست این است که قرآن از وقوع این امر، چه به زیاده و چه به نقصان، محفوظ است. و بر این مطلب این آیه دلالت دارد: «... و همانا ما نگهبان آن هستیم.»*

وجه استدلال به این آیه بدین شرح است: کلمهٔ «ذکر» در اینجا به قرینهٔ آیات پیش از این آیه، به معنای قرآن است. تردید در این معنا بی‌مورد است. (نک: نوری،

---

۱. پاره‌ای از آثاری که از شیخ بهایی مورد فحص و بررسی قرار گرفت تا بتوان دیدگاه شیخ را در مورد تحریف‌ناپذیری قرآن بدست آورد، عبارت‌اند از: زبدة الاصول، العروة الوثقی، الاثناعشریة فی الصلوة الیومیة، مفتاح الفلاح، الأربعون حدیثاً، مشرق الشمسین، المخلاة، الحبل المتین، توضیح المقاصد، مقالة حول القرآن الکریم (در کتاب وجه تسمیة المفید بالمفید)، الکشکول، الحاشیة علی کتاب من لایحضره الفقیه (از کتاب میراث حدیثی شیعه)، حرمة ذبائح اهل الکتاب و...

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-10-31]

ص ۳۶۱ـ۳۶۲) جملهٔ اوّل این آیه، با دو کلمه تأکیدی «**إنّ**: همانا و **نحن**: ما» و به کار گرفتن ضمیر جمع «**نا و نحن**: هر دو به معنای ما» (که دلالت بر عظمت کار دارد) برای رفع تردید کسانی است که در آیات پیشین به آنان اشاره شده است. آنان از نزول قرآن از سوی خدا تردید داشتند و آن را انکار می‌کردند و نیروهای غیرالاهی را در این زمینه دخیل می‌دانستند. خداوند با این کلام مؤکّد، از یک سو، دخالت نیروی دیگری را در نزول قرآن نفی و آن را صرفاً به خدا منتسب می‌کند، و از سوی دیگر، بر عظمت قرآن و سلامت آن از هر نوع دست‌بردی در حین نزول تأکید می‌نماید. جملهٔ دوم آیهٔ شریفه نیز با ذکر ادات تأکید «**إنّ و لام مفتوحه**: هر دو به معنای همانا و قطعاً» و نیز ضمیر جمع «**نا**» و وصف جمع «**حافظون**: نگهبانان» از نگهبانی و حفظ قطعی قرآن پس از نزول آن سخن می‌گوید. نحوهٔ بیان این بخش نیز هر نوع تردیدی را در این زمینه می‌زداید.

حفظ قرآن در این آیه، به صورت مطلق و بدون هیچ قیدی بیان شده؛ بنابراین، شامل حفظ آن از هر نوع تحریفی، از جمله اسقاط، تغییر یا تبدیل در آیات (که اهمّیّتش از هر نوع حفظی بیشتر است)، می‌شود و برخلاف ادّعای برخی تنها اختصاص به حفظ معارف قرآن در برابر شبههٔ معاندان نیست (همو)؛ چون اگر تحریفی در الفاظ قرآن رخ داده باشد (با توجّه به همبستگی محتوای معارف قرآن که گاهی افزودن یا کاستن یک حرف، مطلب حقّی را باطل می‌کند)، محتوای قرآن در برابر شبهات نیز پابرجا نخواهد ماند. این ادّعا نیز که وعدهٔ حفظ قرآن تنها در قلب پیامبر خدا امکان دارد یا حفظ یک نسخه از قرآن نزد معصوم، برای تحقّق وعدهٔ خدا کافی است (همو) نیز، بی‌مبناست و چون هدف از نزول قرآن هدایت است، باید قرآن در میان مردم محفوظ بماند تا زمینهٔ هدایت آنان فراهم آید. اگر گفته شود قرآن تحریف‌شده باز بر سمت هدایتگری‌اش باقی است، باید گفت: در این صورت، نیازی به وعدهٔ خدا بر حفظ قرآن در قلب حضرت رسول نیز نبود.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-10-31]

دلیل دیگر از قرآن در آثار شیخ بهایی این آیات شریفه است: ﴿... وَ **إِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ لا يَأْتِيه الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ**﴾ (فصّلت (۴۱) / ۴۱ـ۴۲) *«... و به طور قطع، آن کتابی عزیز است که باطل از روبرو و پشت سر، به آن راه نمی‌یابد. از ناحیهٔ خداوند حکیم و ستوده فرود آمده است.»* مرحوم شیخ بهایی در این‌باره می‌نویسد:

> **«لَا يَأْتِيه الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ» و لا تطرق إليه التغيير في ذاته و لا في وصفه.**
>
> *باطل از روبرو و پشت سر به آن راه نمی‌یابد و تغییر در ناحیهٔ ذات قرآن و وصف آن، راه نخواهد یافت.* (بهایی، ص ۱۶)

بدون تردید، مقصود از واژهٔ ذکر و کتاب در این دو آیه، قرآن مجید است. دو وصف «عزیز: رسوخ‌ناپذیر» ﴿**لَا يَأْتِيه الْبَاطِلُ**﴾: *«باطل به آن راه نمی‌یابد»* و ﴿**تنزيل من حَكِيمٍ حَمِيدٍ**﴾: *«نازل شده از سوی خداوند حکیم ستوده»* هرکدام به‌طور مستقل، دلالت بر عدم تحریف قرآن می‌کند. چون واژهٔ «عزیز» به معنای شکست‌ناپذیر و غیرقابل نفوذ است. (راغب اصفهانی، ص ۵۶۴) و تحریف لفظی نوعی شکست و موجب نفوذپذیری قرآن است. واژهٔ «باطل» نیز به معنای نقیض حق، چیزی را گویند که ثبات ندارد و تباهی و فساد می‌پذیرد (همو، ص ۱۲۹) و قرآن که می‌فرماید: ﴿**لَايأْتِيه الْبَاطِلُ**﴾ *«باطل به آن راه نمی‌یابد»* به طور مطلق، هر نوع تغییر و تبدیلی را در خود نفی می‌کند و اختصاصی به نفی باطل در محتوای قرآن نیست؛ زیرا با توجه به اعجاز قرآن، در محتوای غنی و معارف هماهنگ و سرتاسر حق قرآن که با نظمی خاص در مجموعهٔ آیات و جملات یک سوره و مفاد آن قرار دارد، هرگونه تغییر و تبدیل در الفاظ به محتوا، حقّانیّت و هماهنگی معارف قرآن آسیب می‌رساند و مصداق تباه‌شونده و فسادپذیر می‌گردد؛ در حالی که این آیه با تعبیر ﴿**مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ**﴾ *«از پیش رو و از پشت سر»* به صورت مطلق و در هر زمان و از هر جهت، چنین

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-10-31]

امری را منتفی دانسته است. جملهٔ پایانی این آیه یادآور این نکته است که قرآن به این دلیل قابل تحریف و تغییر نیست که فرود آمده از سوی خداوند حکیم و ستوده است. خداوندی که کارهایش هدفدار و بدون نقص است و خود برخوردار از همهٔ کمالهاست. بنابراین، اگر قرآن تحریف شده باشد، نقض غرض و ناسازگار با حکیم بودن خدا خواهد بود.

برخی در استدلال به این آیات، چنین مناقشه کرده‌اند: «در قرآن چیزی که مستلزم بطلان محتوای آن باشد، مانند تناقض در احکام یا کذب در گزارشها و سرگذشتهای آن، راه ندارد... و نمی‌توان معنای نفی باطل در قرآن را به تحریف و تغییر الفاظ آن گسترش داد... افزون بر آن، نفی باطل با حفظ یک نسخه نزد اهل بیت، تحقّق می‌یابد و نیازی به حفظ نسخه‌های موجود نیست.» (نوری، ص ۳۶۰ـ۳۶۲) این مناقشه‌ها بی‌مایه است؛ چون: نحوهٔ بیان آیات مذکور، مطلق و بدون هیچ قیدی است و عدم راهیابی باطل در محتوای قرآن، بهترین گواه بر سلامت قرآن از هر نوع تحریف لفظی است. و الّا اگر در الفاظ و عبارتهای قرآن به ویژه در سطحی وسیع، ـ آن‌گونه که پندارگرایان مدّ نظر دارند ـ دگرگونی راه یافته باشد، معارف آن نیز دگرگون شده و بطلان در آن راه می‌یابد. پاسخ به شبههٔ حفظ یک نسخه نزد معصوم نیز در استدلال به آیهٔ قبل، بیان شد.

یادآور می‌شود که نباید احتمال داد که آیات مورد استناد برای عدم تحریف، خود تحریف شده‌اند؛ زیرا صرف احتمال تحریف هیچ متنی را از اعتبار نمی‌اندازد. نهایت این احتمال، ضرورت بررسی تحریف یا عدم آن است و چنان که دلیل بر تحریف به دست نیاید، اعتبار متن تثبیت می‌شود. افزون بر این، هیچ شاهد روایی و غیرروایی بر تحریف این آیات به چشم نمی‌خورد و مقایسهٔ ساختار و محتوای این آیات با آیات قبل و بعد آن‌ها نیز نشان می‌دهد که آنها مجموعه‌ای منسجم و به هم پیوسته‌اند و تمام اوصاف اعجازی قرآن را دارند؛ به گونه‌ای که هیچ تردیدی در

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-10-31]

قرآن بودن آنها روا نیست.

مرحوم شیخ بهایی در همین‌باره، به مفاد آیهٔ ﴿**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَإٍ فَتَبَيَّنُوا**﴾ (حجرات (۴۹) / ۶) برای حجّیّت خبر واحد عادل و به مفاد آیهٔ وضو (مائده (۵) / ۶) که به تفصیل به تفسیر آن پرداخته (بهایی، مشرق الشمسین، ۴۳)، استناد کرده است و این نیز شاهدی بر حجّیّت قرآن و در نتیجه، سلامت آن از تحریف در دیدگاه شیخ دارد. (همان، ۱۰۶ـ۱۱۸)

ب) احادیث

دانشمندان به احادیثی گوناگون برای اثبات سلامت قرآن از تحریف، استدلال کرده‌اند (نک: نجارزادگان، ص ۲۱ـ۲۲). این به معنای نیاز قرآن بـه احـادیث در ایـن‌باره نیست؛ چون در واقع، اعتبار احادیث از قرآن است و صحّت و سقمشان با محکّ قرآن به دست می‌آید؛ لیکن چون نوع این احادیث درگواهی شان بر سلامت قرآن از تحریف، از سوی خود قرآن تأیید می‌شود، برای نیل به دو هدف ـ اثبات سلامت قرآن از تحریف و ساقط کردن احادیث تحریف‌نما (در صورتی که تأویلی درست برای معنای آنها نتوان یافت) ـ به آنها تـمسّک مـی‌شود؛ چـون در مـقام تـعارض احادیث، ناگزیر احادیثی که سندشان ضعیف و دلالتشان مبهم و یا موافـق قـرآن نباشد، ساقط‌اند و در آنها روایات تحریف‌نما می‌باشند.

از جملهٔ این احادیث، «روایات عرض علی کتاب الله» اند (نک: کلینی، ج ۱، ص ۶۹، رقم ۱ـ۴ ؛ عیّاشی، ج ۱، ص ۸۲ـ۸۴؛ حرّ عاملی، ج ۲۷، ص ۱۰۹ـ۱۱۲ ؛ نهج‌البلاغة، حکمت ۵۳) که بر تواتر معنوی آنها تصریح شده است. (انـصاری، ج ۱، ص ۱۱۰ـ۱۱۱) ایـن احـادیث کـه نیرومندترین ادلّهٔ حدیثی بر تحریف‌ناپذیری قرآن‌اند، در مدلول مطابقی شان، میزان بودن مطلق قرآن و حاکمیّت آن را بر اخبار و آراء و در مدلول التزامی شان سلامت قرآن را از هر نوع تغییر و تحریفی به اثبات می‌رسانند؛ چون بـا وجـود تـحریف، مقیاس قرآن دچار تردید می‌شود و از کار می‌افتد و مسلّماً مراد از عرضه بر کتاب

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-10-31]

خدا جز عرضه به متن موجود نیست و اگر غیر این باشد، «تکلیف مـا لا یـطاق» خواهد بود که مردود است. این اخبار ریشهٔ نبوی دارد (حرّ عاملی، ج ۲۷، ص ۱۰۹، رقم ۱۰ و ۱۵) و تقیّه در آنها موضوعاً منتفی است.

مرحوم شیخ بهایی در یک تحلیل نسبتاً گسترده پیرامون تفسیر آیهٔ وضو (مائده (۵) / ۶) به بررسی و نقد روایات عامّه در این‌باره می‌پردازد؛ با مقیاس قرآن آنها را ارزیابی می‌کند و از صحّت و سقمشان پرده برمی‌دارد. (بهایی، ص ۱۳۳) این تلقّی از قرآن به عنوان مقیاس صحّت و سقم، از روایات متواتر عرض در ذهن شیخ بهایی نشسته است.

شیخ بهایی در مباحث فقهی نیز به احادیثی که ناظر بـه احکـام فـقهی است، استناد کرده است. از جمله، روایات لزوم قرائت سورهٔ کامل پس از حمد در نماز (کلینی، ج ۳، ص ۳۱۳) که فقها، خواندن آن را پس از حمد واجب دانسته و آن را اجماع فقیهان اهل بیت می‌دانند. ادّعای صدور این حکم از سر تقیّه نیز هیچ‌گونه توجیهی ندارد؛ زیرا بیشتر مذاهب قائل به وجوب قرائت سورهٔ کامل نیستند. حال اگر قائل به تحریف شویم، امتثال این حکم ناممکن می‌شود؛ چون به اصطلاح اصولیان لازمهٔ «اشتغال یقینی»، «برائت یقینی» است و مکلّف باید برای امتثال حکم، یک سوره قرائت کند؛ ولی با احتمال تحریف، با قرائت هیچ سوره‌ای یقین به امتثال حاصل نخواهد شد؛ چون با پذیرش تحریف، تـمام سـوره‌ها مـحتمل‌التـحریف‌انـد. ایـن استدلال در تمام احکام شرعی که در آنها بر قرائت سورهٔ کامل یا آیهٔ کامل تصریح کرده‌اند، جاری است. (لنکرانی، ص ۲۲۱)

روایات فراوان دربارهٔ فضایل و آثار مترتّب بر قرائت، حفظ، نگارش، ختم و... قرآن در دیدگاه شیخ بهایی، مستندی دیگر برای سلامت قرآن از تـحریف است؛ چون با فرض تحریف، امتثال این احکام دشوار بلکه محال خواهـد بـود. دربـارهٔ صدور این اخبار در زمان رسول خدا ﷺ نیز فی‌الجمله نمی‌توان تردید کرد. شیخ

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-10-31]

صدوق با استناد به این احادیث نوشته است: «آنچه در ثواب قرائت سوره‌های قرآن و جواز قرائت دو سوره در هر رکعت از نماز نافله و ثواب ختم تمام قرآن و نیز نهی از قرائت تمام قرآن در یک شب و عدم جواز آن در کمتر از سه روز آمده، دلیل بر سلامت قرآن از تحریف است.» (صدوق، ص ۸۶)

ج) دلیل تواتر:

اثبات تحریف ناپذیری قرآن با دلیل تواتر، تلفیقی از دلیل روایی و شواهد تاریخ است (که در واقع، چون این شواهد، مستند به روایات‌اند می‌توان آن را بخشی از دلیل روایی به شمار آورد). در این دلیل، به اهتمام ویژهٔ مسلمانان از عصر وحی تاکنون، در تمام ابعاد جمع‌آوری، حفظ، ضبط، قرائت و نگارش قرآن و نیز انس بی‌پایان و قداستی که این کتاب از همان اوان نزول در ژرفای جانشان داشته، توجه شده است (نک: ابن‌جزری، ص ۵ـ۶). بنابر گزارشهای متعدّد تاریخی، مسلمانان نسبت به کوچک‌ترین تغییر در این زمینه حساسیّت داشتند از خود واکنش نشان می‌دادند. این شواهد موجب تواتر اجزای قرآن خواهد بود و هر نوع تردیدی را دربارهٔ تغییر در قرآن، پایان می‌دهد. مرحوم شیخ بهایی در این‌باره چنین می‌آورد:

> **القرآن متواتر، لتوفُّر الدواعي على نَقلِه... و السبع متواترة إن كانت جوهريّة كـ «ملك» و «مالك»، أمّا الأدائيّة كالمدّ و الإمالة فلا، و لا عمل بالشواذّ.** (بهایی، زبدة الأصول، ص ۸۶)
>
> *قرآن به دلیل انگیزهٔ نقل فراوانی که دارد متواتر است... و اگر اختلاف مربوط به حروف کلمات باشد، مانند* **«ملك»** *و* **«مالك»**، *تحت قرائات هفت‌گانه و متواترند* [*و بدون اشکال است*]؛ *ولی اگر اختلاف در نحوهٔ ادای کلمه باشد، مانند «مدّ و اماله» متواتر نخواهد بود* [*باز هم اشکالی تولید نخواهد شد؛ چه اینکه*] *عمل به قرائات شاذ و خلاف قرائات هفت‌گانه، جایز نیست.*

از نمونه‌های اهتمام شدید مسلمانان به نقل قرآن و حفظ آن از هر تغییر که زیرساخت تواتر قرآن به شمار می‌آید، می‌توان به جریان عثمان‌بن عفّان اشاره کرد.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-10-31]

وی گمان می‌کرد «و» در ابتدای «**الذین**» در آیهٔ ﴿... **وَ الَّذِینَ یَکْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ...**﴾ (توبة (۹) / ۳۴) نیست؛ امّا ابیّ‌بن کعب خلیفه را بیم داد که اگر «و» را بر جایش نگذارند، شمشیر از نیام برمی‌کشد. (سیوطی، ج ۳، ص ۲۳۲) در موردی دیگر، خلیفهٔ دوم بر این پندار بود که در قرائت آیهٔ ۱۰۰ سورهٔ توبه ﴿... **وَ السَّابِقُونَ الأَوَّلُونَ مِنْ المُهَاجِرِینَ وَ الأنصَارِ وَ الَّذِینَ اتَّبَعُوهُمْ...**﴾ واژهٔ «**انصار**» مرفوع است و حرف «و» در ابتدای «**الذین**» وجود ندارد. در این صورت جایگاه شایسته انصار منوط به تبعیت آنان از مهاجران می‌شد (و در مفاخرت مهاجران و انصار پس از رسول خدا **ا** مؤثّر بود و به سود مهاجران تمام می‌شد). این بار نیز ابیّ‌بن کعب به عمر اعتراض و تأکید کرد که آیه چنان که او قرائت می‌کند نیست. (طبری، ج ۱۱، ص ۷ ؛ سیوطی، ج ۳،ص ۲۶۹) عمر بر این باور بود که در قرآن آیه‌ای هست که «**حدّرجم**» را ذکر کرده است؛ امّا از اینکه این باور را اعلام کند و مردم او را به افزودن بر کتاب خدا متّهم کنند، می‌هراسید. (ابن‌انس، ج ۲، ص ۸۲۴) در بین امامیّه نیز نخستین کسی که به این دلیل عطف توجّه کرده علم‌الهدی شریف مرتضی (م ۴۳۶ ق) است. (شریف مرتضی، ص ۳۶۱ـ۳۶۴)

دیدگاه تفصیلی شریف مرتضی در این‌باره، در کتاب «المسائل الطرابلسیات الاولی» آمده که هم‌اکنون مفقود است؛ لیکن ایشان در کتاب «الذخیرة فی علم الکلام» خلاصه دیدگاه خود را آورده و گفته است:

> *ما در کتاب «المسائل الطرابلسیات» روشن ساختیم که قرآن به طور درست، همان‌گونه که بوده، نقل شده؛ بدون آنکه در آن نقصان، تبدیل یا تغییر و دگرگونی رخ داده باشد... در آنجا متذکّر شدیم که عنایت شدید و انگیزه‌های قوی مسلمین بر نقل قرآن و حفظ و حراست از آن، از حدّ نقل حوادث، رویدادها و کتابها به مراتب بیشتر است... علم به جزئیّات قرآن مانند علم به کلّیّت آن است... و ناگفته پیداست که عنایت به قرآن و ضبط آن بسی فراتر از عنایت به ضبط و ثبت کتاب سیبویه و دواوین شاعران است و*

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-10-31]

هرگز این دو با یکدیگر قابل مقایسه نیست. (همو، ص ۳۶۱)

پس از علم‌الهدی گروهی دیگر شیوهٔ او را پیموده‌اند؛ مانند ابن شهرآشوب (م ۵۸۸ ق) در کتاب مثالب النواصب (ابن‌شهرآشوب، ص ۴۲۸، نسخهٔ لکهنو و ۴۷۱ نسخهٔ سپهسالار). شیخ سدیدالدین محمود المحصی (م اوایل قرن هفتم) در کتاب «المنقذ من التقلید» در بخشی از کلام خود می‌نویسد: «تواتر کل قرآن و اجزاء و تفاصیل آن بدیهی است... و انکار ابن‌مسعود نسبت به معوّذتین، تواتر قرآن را مخدوش نمی‌کند؛ چون او یک نفر است...» (حمصی، ص ۴۷۷ـ۴۷۸)

شبیه به این استدلال از مرحوم شیخ بهایی آمده است. وی در مقام نقد دیدگاه کسانی که دو سورهٔ «الضحی» و «الإنشراح» و دو سورهٔ «الفیل» و «قریش» را یک سوره می‌پندارد و به دلیل عدم فصل بین آنها در مصحف ابیّ‌بن کعب، تمسک جسته‌اند، نوشته است:

عدم الفصل في مصحف ابيّ لعلّه سهو منه على أنّه لايصلح معارضاً لسائر مصاحف الأمّة.

و اینکه در مصحف ابیّ‌بن کعب، بین این دو سوره فاصله ایجاد نشده، شاید اشتباهی از جانب او بوده است. افزون بر آن، این مصحف، شایستگی معارضه با مصاحف [رایج بین] سایر امّت (دیگر اصحاب) را ندارد. (بهایی، العروة الوثقی، ص ۴۸ـ۵۲)

دلیل تواتر اجزای قرآن در بین متأخّران نیز مورد توجّه بوده است؛ مانند مرحوم شرف‌الدین عاملی (م ۱۳۷۷ ق) در «اجوبة مسائل جار الله» که چنین آورده است: «هر حرفی از حروف قرآن در تمام نسلها تا عهد وحی و نبوّت، متواتر به تواتر قطعی است.» (شرف‌الدین، ص ۲۸ و ۱۶۳)

و بالاخره مرحوم امام خمینی (م ۱۴۰۹ ق) که ازجمله ادلّهٔ عدم تحریف قرآن، عنایت ویژهٔ مسلمین را به جمع، حفظ، قرائت و نگارش قرآن برشمرده‌اند که مستلزم تواتر در تمام اجزای قرآن خواهد شد. (امام خمینی، ج ۲، ص ۱۶۵)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-10-31]

د) اختلاف قاریان و پندار تحریف قرآن

اختلاف قاریان در تلفّظ و کلمات قرآن، تحریف در لفظ یکسان نیست. برخی این دو را یکسان پنداشته، تحریف قرآن را نتیجه گرفته‌اند (برای مطالعه بیشتر نک: نوری، ص ۲۰۹). این نتیجه‌گیری مبتنی بر عدم پذیرش تواتر قرائات هفت‌گانه یا دهگـانه است؛ چون با پذیرش تواتر، همهٔ اختلافها در هیئت کلمات و حروف قرآن که در معنا مؤثرند، از ناحیهٔ خداست (حلّی، ج ۳، ص ۱۴۱ ؛ بهایی، زبدة الأصول، ص ۸۶) و موجب تحریف نخواهد بود. شیخ بهایی بر همین باور است که قرائات هفت‌گانه متواترند؛ لیکن با تبیینی عالمانه در تفاوت بین اختلاف کلمات در حروف آنها با اختلاف در چگونگی تلفّظ کلمات، ایشان می‌نویسد:

> **«... و السبع متواترة إن كانت جوهرية ک «ملك» و «مالك»، أمّا الأدائيّة كالمد و الإمالة فلا، و لاعمل بالشواذ.»** (بهایی، زبدة الأصول، ص ۸۶)
>
> *و اگر اختلاف در حروف باشد، مانند «ملک» و «مالک»، قرائات هفت‌گانه متواترند* [*و بدون اشکال است*] *ولی اگر اختلاف در نحوهٔ ادای کلمه باشد، مانند «مدّ و اماله» متواتر نخواهد بود* [*چه اینکه*] *عمل به قرائـات شـاذ و خلاف قرائات هفت‌گانه، جایز نیست.*

به همین‌رو، از نظر شیخ بهایی، نمازگزار می‌توانـد بـه نـحو تـخییر، هـرکدام از قرائات را برگزیند و در نماز قرائت کند. ایشان در این‌باره چنین می‌آورد:

> **لا خلاف بين فقهائنا ـ رضوان الله عليهم ـ في أنّ كلّما تواتر من القراءات يجوز القراءة به في الصلاة و لم يفرّقوا بين تخالفها في الصفات أو في إثبات بعض الحروف و الكلمات كملك و مالك و قوله تعالى «تجري من تحـتها الأنهار» بإثبات لفظة من و تركها، فالمكلّف مخيّر في الصلاة بـين الترك و الإثبات إذ كلّ منهما متواتر.** (بهایی، العروة الوثـقی، ص ۶۹. نـیز بـنگرید: الحـبل المتین، ص ۷۲۳ ؛ الاثنا عشریّة، ذیل واجبات لسانی نماز، نکتهٔ چهارم، ص ۲۷)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-10-31]

هیچ اختلافی میان فقهای ما نیست در اینکه هرچه از الفاظ قرآن به تواتر ثابت شده باشد، قرائت آن در نماز جایز است. آنها [*در این جواز*] *میان مواردی که اختلاف قرائت از اختلاف صفات ناشی شده، یا به دلیل آوردن بعضی از حروف و کلمات است، تفاوتی ننهاده‌اند؛ مانند «ملک» و «مالک» و نیز این گفتار خداوند که می‌فرماید:* **«تجری من تحتها الانهار»** *که هم با لفظ* **«مِن»** *و هم بدون آن قرائت شده است. بنابراین، شخص مکلّف در نماز مخیّر است که به هر دو شکل قرائت کند* [*هم با حرف مِن و هم بدون آن*]*، چراکه هر دوی آنها متواتر است.*

نکته‌ای که ذکر آن در اینجا خالی از لطف نیست، این است که با نفی تواتر قرائات، تواتر کلمات قرآن منتفی نیست. زیرا چه بسا قرائت آیه شرح و تفسیر آن باشد. به‌طور نمونه، کلینی قرائت امام علی علیه‌السلام از این آیه را چنین گزارش می دهد: ﴿**وَ إِذا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِكَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ**﴾ (بقره (۲) / ۲۰۵) بظلمه و سریرته (کلینی، ج ۸، ص ۲۸۹) این دو واژه تفسیر آیه است که ستمگری و نهاد زشت مفسدان را علّت پایمال کردن کشت و نسل می شناسند. در غیر این صورت، همان‌گونه که آیة الله خویی می‌گوید:

متن کلمات و آیات قرآن حقیقتی است و اختلاف در شکل کلمات و چگونگی ادای آنها، حقیقتی دیگر است؛ چون هر چه که برای نقل آن انگیزه‌های زیاد و شدید وجود داشته باشد، به تواتر نقل می‌شود و انگیزهٔ مسلمانان برای نقل متن کلمات و آیات قرآن به قدری شدید بوده که قابل وصف نیست (چون قرآن اساس دین و معجزه الاهی آنان است). بنابراین اگر قاریان هفت‌گانه یا دهگانه هم وجود نداشتند، باز قرآن به تواتر ثابت بود و جریان دایمی قداست و صحّت آن نیز به این منحصر نبود. (خویی، ص ۱۵۸)

بنابراین اختلاف قاریان در ادای کلمات قرآن، موجب خلل به جوهرهٔ کلمات و آیات قرآن نیست، وکسی قائل به تلازم بین نقصان سوره‌ها، آیات وکلمات قرآن، با اختلاف در هیئت و چگونگی ادای کلمات قرآن نمی‌باشد. ادلّهٔ سلامت قرآن از

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-10-31]

تحریف نیز هرگونه اختلاف در ادای کلمات قرآن را که بخواهد به جوهرهٔ کلمات سرایت کند و به‌گونه‌ای شود که موجب تغییر معنا و عدم دست‌یابی به مراد واقعی خدا شود، منتفی می‌سازد.

نتیجه

موضوع بحث، تحریف‌ناپذیری در الفاظ قرآن در آثار شیخ بهایی است. این معنا شامل تبدیل، افزایش یا کاهش در آن‌ها خواهد بود.

سلامت قرآن از تحریف به این معنا در آثار شیخ بهایی با سه دلیل آیات، احادیث و تواتر اجزای قرآن قابل اثبات است. دلیل قرآن مستند به آیهٔ ۹ سوره حجر و آیات ۴۱ و ۴۲ سورهٔ فصلّت و دلیل روایی مستند به احادیث عرض و روایات ناظر به احکام فقهی و غیر فقهی است که در صورت بروز تحریف در قرآن یا احتمال آن، این احکام و آثار آنها را دشواری (بلکه غیر ممکن) می‌گرداند.

دلیل تواتر که از قول به تواتر قرائات هفت‌گانه پدید می‌آید، تلفیقی از ادلّهٔ روایی و شواهد تاریخی است و در پی آن، موجب تواتر در تمام اجزای قرآن می‌شود. این دلیل مبتنی بر انگیزه‌های راسخ و توانمند مسلمین در نقل، حفظ، نگارش و ... قرآن در تمام اجزای آن است. این دلیل در بین متقدّمان و متأخّران امامیّه مدّ نظر بوده است. شیخ بهایی بر همین اساس، اختلاف سایر مصاحف را با مصحف موجود بی‌اعتبار می‌داند.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-10-31]

کتابنامه

قرآن کریم

نهج البلاغه. جمع: شریف رضی، ضبط: صبحی صالح، بیروت: ۱۳۸۷ ق.

صحیفهٔ سجّادیّه. تصحیح: فیض الاسلام، ۱۳۷۵ ق.

۱. ابن‌انس، مالک. **الموطأ.** تصحیح و تعلیق: محمّد فؤاد عبدالباقی. بیروت: بی‌تا.

۲. ابن‌جریر، محمّد. **جامع البیان عن تأویل آی القرآن.** بیروت: ۱۴۰۸ ق.

۳. ابن‌جزری، محمّد. **النشر فی القراءات العشر.** تصحیح: علی محمّد الضیاع. مصر: مطبعة مصطفی محمّد، بی‌تا.

۴. ابن شهرآشوب، علی. **مثالب النواصب.** مخطوط، (نسخهٔ لکهنو و نسخه سپهسالار...)

۵. ابن‌فارس، احمد. **معجم مقاییس اللغة.** تحقیق: عبدالسلام محمّد هارون. قم: مرکز النشر لمکتبة الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.

۶. امام خمینی، روح الله. **تهذیب الأصول.** تقریر: آیة الله جعفر سبحانی. قم: ۱۳۸۰ ق.

۷. انصاری، مرتضی. **فرائد الاصول.** قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۸. بلاغی نجفی، محمّد جواد. **آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن.** بی‌تا.

۹. بهاء الدین، محمّد(شیخ بهایی). **الأربعون حدیثا.** قم: مؤسّسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ ق.

۱۰. ـ. **الاثناعشریّة فی الصلوة الیومیة.** تحقیق: الشیخ محمّد حسّون به اشراف: السید محمود مرعشی. قم: مکتبة المرعشی النجفی، ۱۴۰۹ ق.

۱۱. ـ. **توضیح المقاصد.** مصر: مطبعة العباسیّة، ۱۳۱۳ ق.

۱۲. ـ. **الحبل المتین فی إحکام أحکام الدین.** بیروت: دار الهادی، الطبعة الاولی، ۱۴۲۰ ق.

۱۳. ـ. **زبدة الاصول.** تحقیق: فارس حسّون کریم. قم: مرصاد، الطبعة الاولی، ۱۴۲۳ ق.

۱۴. ـ. **العروة الوثقی.** تحقیق: اکبر ایرانی قمی، قم: دار القرآن الکریم، بی‌تا، همچنین، التحقیق: فارس حسّون کریم. قم: ۱۴۲۳ ق.

۱۵. ـ. **الکشکول.** قم: مؤسّسهٔ انتشارات فراهانی، بی‌تا.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-10-31]

۱۶. ـ **المخلاة (توبره)**. ترجمه: بهمن راذانی. انتشارات زرین، چاپ اول، ۱۳۶۴ ش.

۱۷. ـ **مشرق الشمسین و إکسیر السعادتین**. تحقیق و تعلیق: محمّد اسماعیل بن حسین مازندرانی خواجوی. مشهد: آستان قدس، الطبعة الاولی، ۱۴۱۴ ق.

۱۸. ـ **مفتاح الفلاح**. ترجمه: علی‌بن طیفور بسطامی. قم: نشر حکمت، چاپ سوم، ۱۳۷۳ ش.

۱۹. حرّ عاملی، محمّدبن حسن. **وسائل الشیعه**. قم: آل البیت، ۱۴۰۹ ق.

۲۰. حسینی میلانی، علی. **التحقیق فی نفی التحریف**. قم: ۱۴۱۷ ق.

۲۱. حلّی، حسن. **تذکرة الفقهاء**. قم: مؤسسة آل البیت لإحیاء التراث، ۱۴۱۴ ق.

۲۲. حمصی، سدیدالدین محمود. **المنقذ من التقلید**. قم: مؤسّسهٔ نشر اسلامی، ۱۴۱۲ ق.

۲۳. خواجویی، محمّدبن حسن. **وجه تسمیة المفید بالمفید**. (مقالة حول القرآن الکریم از شیخ بهایی) تحقیق: سید احمد روضاتی. تهران: مکتب القرآن، ۱۴۱۳ ق.

۲۴. راغب اصفهانی، حسین. **مفردات الفاظ قرآن**. تحقیق: عدنان داوودی. بیروت: الدار الشامیة، ۱۴۱۶ ق.

۲۵. سیوطی، جلال الدین. **الإتقان فی علوم القرآن**. بیروت: دارالندوة، بی‌تا.

۲۶. شرف الدین، عبدالحسین. **أجوبة مسائل جار الله**. نجف: مطبعة النعمان، ۱۳۸۶ ق.

۲۷. صدوق، محمّد. **رسالة فی الاعتقادات**. تحقیق: حسین درگاهی. المؤتمر العالمی لألفیّة الشیخ المفید، ۱۴۱۳ ق.

۲۸. طوسی، محمّدبن حسن. **الأمالی**. قم: مؤسّسة البعثة، ۱۴۱۴ ق.

۲۹. عیّاشی، محمّد. **تفسیر العیاشی (کتاب التفسیر)**. تصحیح: هاشم الرسولی المحلاتی. تهران: المکتبة الاسلامیة، بی‌تا.

۳۰. فاضل لنکرانی، محمّد. **مدخل التفسیر**. مکتب الاعلام الاسلامی، الطبعة الثانیة، ۱۴۱۳ق.

۳۱. کلینی، محمّدبن یعقوب. **الکافی**. تصحیح: علی اکبر الغفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۸۸ ق.

۳۲. مجلسی، محمّد باقر. **بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار**. تهران: المکتبة

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-10-31]

الاسلامیّة، ۱۳۹۷ ق.

۳۳. مصباح یزدی، محمّد تقی. **معارف قرآن (قرآن شناسی).** تحقیق و نگارش: محمود رجبی. مؤسّسة آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۶ ش.

۳۴. مهریزی، مهدی و صدرایی خویی، علی. **میراث حدیثی شیعه.** قم: دارالحدیث، ۱۳۸۰ ش.

۳۵. نجّارزادگان (محمّدی)، فتح الله. **سلامة القرآن من التحریف و تفنید الافتراءات علی الشیعة الامامیّه.** تهران: نشر معشر، ۱۳۸۳ ش.

۳۶. نوری، میرزا حسین. **فصل الخطاب.** الطبعة الحجریّة، ۱۲۹۸ ق.

۳۷. هندی، علی المتقی. **کنز العمّال فی سنن الاقوال و الافعال.** تصحیح: صفوة السقا، بیروت: مؤسّسة الرساله، ۱۴۰۵ ق.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-10-31]